



رحمان حسین زاده

مردم فضای تنفر و اعتراض علیه کل جمهوری اسلامی است. این را در تحرک اعتراضی کارگران و دانشجویان و اقشار دیگر مردم و در جنب و جوش گسترده جوانان در عرصه‌های مختلفی شاهد هستیم. بعد از ماجراهای

صفحه ۲

هفته آینده، هفته اعتراضات گسترده علیه جمهوری اسلامی

ایسکرا می‌رسد:

بعد از ماجرای رد صلاحیت‌ها و تقلاهای ناکام دوم خرداد و تحصن نمایندگان مجلس اکنون با حکم خامنه‌ای مضحکه انتخاباتی در اول اسفند برگزار میشود و هفته آینده جنجال تبلیغاتی کاندیداها شروع میشود. عکس‌العمل مردم به آن چه میتواند باشد؟ سیاست عملی شما چیست؟

رحمان حسین زاده: من فکر میکنم فضای عمومی در میان مردم اینست که در پروسه مضحکه "انتخاباتی"، فرصت اعتراض علیه رژیم را پیدا کنند. واضح است مردم در این "انتخابات" شرکت نمیکند. هر چند شواهد پیداست

نگاهی اجمالی به انقلاب ۵۷ در کردستان

درسها و تجاربی

مراجعه کرد.

انقلاب سال ۵۷ ایران، انقلابی تماما به معنای عملی کلمه، انقلابی توده ای و چپ بود. توده مردم محروم و ستمدیده ایران نه تنها برای دستیابی به حق و حقوق پایه ای و انسانی خود از لحاظ سیاسی و اجتماعی بر علیه استبداد سلطنتی و کل سیستم موجود به پا خاسته بودند، بلکه برای دستیابی به رفاه، سعادت و آسایش و کلا زندگی ای بهتر بود. آن انقلاب علیرغم عدم وجود حزبی کمونیستی کارگری با برنامه و اهداف سیاسی و اجتماعی روشن که مبارزات مردم را به مسیری درست با دخالتگری سیاسی خود هدایت و رهبری کند، در طول پروسه مبارزاتی هر چه بیشتر رادیکالتر و به چپ سیر و رشد میکرد. جنبش چپ "جنبش کمونیستی و مارکسیستی" خارج از هر گونه ابهام و ناروشنی

صفحه ۳



اسماعیل ویسی

این نوشته را با الهام گرفتن از مقاله "تاریخ شکست نخوردگان: چند کلمه به یاد انقلاب ۵۷" نوشته منصور حکمت، تهیه کرده ام. که به نظرم بطور زنده و در عین حال عمیقا آن تحول و اتفاق مهم را بررسی کرده است. برای مطالعه این نوشته میتوان به جلد هشتم مجموعه آثار منصور حکمت و سایتهای روزنه: www.rowzane.com و بنیاد منصور حکمت: www.m-hekmat.com

مخاطب

"حکم حکومتی"

خامنه ای

کیانند؟

مردم یا

"اصلاح طلبان"؟

ایرج فرزاد

خامنه ای سرانجام در یک "حکم حکومتی" به شورای نگهبان دستور داد که تعدادی از رد صلاحیت شده های کاندید برای مجلس هفتم اسلامی را تایید کند، که ۱۴۶ نفر از نمایندگان رد صلاحیت شده مجلس ششم را شامل میشود. این مساله آرایش و صف آرائی جناحهای رژیم اسلامی را وارد فاز جدیدی کرد. اپوزیسیون طرفدار رژیم که در سایه نمایش پهلوان پنبه های متحصن در مجلس امید داشت تا برای "جمهوری خواهی" خود از صفوف رژیم اسلامی نیرو جذب کند، یکباره پس از سخنان تهدید آمیز خامنه ای در ۱۵ بهمن که گفته بود به "قلدری" تن نمیدهد و تحریم انتخابات و استعفا از نمایندگی مجلس اسلامی را "حرام شرعی" میدانند، وا رفت و این یاس و ساده لوحی در این توهم را که گویا "اصلاح طلبان" نیروی بالقوه جمهوریت در برابر اسلامیت رژیم اند، با عبارتی از زبان یکی از پرسوناژهای توده ای اکثریتی این طیف چنین تسکین داده شد:

"این شکست شرافتمندانه بر شما و بر ملت ما مبارک باد!" عنوان نوشته ای از ملیحه محمدی که در جریان انتخابات

صفحه ۲



اساس سوسیالیسم انسان است.

سوسیالیسم جنبش بازگرداندن اختیار به انسان است.

منصور حکمت

ایسکرا

iraj_farzad@yahoo.com

سردبیر: ایرج فرزاد

فاکس: 00448701687574

تلفن: ۰۰۴۶۷۳۹۵۵۵۰۸۵

چهارشنبه‌ها منتشر میشود

گرامی باد

هشت مارس

روز جهانی زن

صفحه ۳

طومار حمایتی

گروههای دیگری

از کارگران و

مردم شهرهای

کردستان

از کارگران

مس خاتون آباد

صفحه ۲

تانکر حامل مواد شیمیایی برای بار دوم در سد قشلاق ساندج واژگون شد

صفحه ۵

دست تروریسم

اسلام سیاسی

از جنبش برابری

زنان کوتاه!

نسان نودینیان

صفحه ۶

روز کومه له به باند

زحمتکشان بی ربط است!

ایرج فرزاد

صفحه ۴

آزادی، برابری، حکومت کارگری!

« ایسکرا می پرسد: (ادامه از صفحه ۱)

آخر شان هم، ما شاهد جمهوری اسلامی ضعیفتری هستیم. همین قوت قلب بیشتری به مردم میدهد، تا تعرض خود را علیه کلیت جمهوری اسلامی به صحنه بکشند. بر این اساس فکر میکنم هفته آینده یعنی هفته "نمایش رقابت کاندیداهای رژیم" میتواند هفته اعتراض گسترده مردم علیه جمهوری اسلامی و ابتکارات اعتراضی علیه خیمه‌شب بازی انتخابات و فرصت رسوا کردن حلقه یگوشان آن باشد. هفته آینده میتواند، هفته خراب کردن بساط انتخابات بر سر برپا دارندگان و مجریان آن باشد. از همین فردا پنجشنبه، مزدوران کاندید شده رژیم، دفاتر بازار گرمی دایر میکنند، احتمالاً در مجامع عمومی شهر و دانشگاه و مدارس حضور پیدا میکنند. میتوان کاری کرد، که دفاتر آنها بسته و برچیده شود. کاری کرد این مهره‌های رژیم جسارت حضور در این مجامع را نداشته باشند. باید کاری کرد جلسات سخنرانیهای آنها سوت و کور باشد و آنجا هم که با فشار و محدودیت جمعی را تحمیل کردند، میتوان اجتماع را به محل سؤال پیچ کردن و افشاکاری و رسوا کردن آنها و رژیم حامیشان تبدیل کرده و فضای اعتراضی و تحرک اعتراضی ایجاد کرد. جوانان

مسبب آن بوده است و سرتاپای جامعه ایران را به مرز سقوط و فلاکت و فروپاشی کشانده است، کوچکترین مسکنی ندارد. این رژیم محکوم به رفتن است و بنابراین هیچیک از جناحهای آن، حتی با همکاری داوطلبانه میردان پخمه خارج حکومتی "انقلاب اسلامی" قادر به خارج شدن از بحران مرگ و بقا نیست. جناحهای رژیم ناچارند که به تجدید آرایش دست بزنند و در هر سیکلی و با هر صف آرائی، درگیریها و تناقضاتشان و تنشهایشان تشدید میشود و خود این عامل، کل رژیم را در برابر مردم شکننده تر میکند. مردم راه دیگری جز بزرگ کشیدن کل بساط رژیم جنایتکاران اسلامی برایشان باقی نمانده است. چه، تداوم درگیری جناحها و عبور رژیم اسلامی از کودتاها و تصفیه های درونی قهر آمیز و خونین، عناصر سناریو سیاهی تغییر رژیم را به میدان می آورد.

در این رابطه باید هوشیار بود و متوجه بود که سران رژیم اسلامی در آخرین مراحل سلطه جنایتکارانه خود از هیچ جنایت دیگری فروگذار نخواهند کرد. اما از سوی دیگر میدان ارباب و سرکوب خونین، بعد از ۲۵ سال تجربه همه امکانات نسل کشی و قتل عام و تحمیل فلاکت به توده های مردم ایران، دیگر اصلاً نامحدود نیست. رژیم اسلامی چاره ای ندارد جز اینکه در برابر اراده مردم زانو بزند. انتخابات مجلس هفتم در عین اینکه یک کابوس هولناک در تلاش بقای رژیم و نقطه دیگری از بحران مشروعیت در درون صفوف خود آست، درگیری و تصفیه های جدید و به احتمال زیاد حتی خونین در تنازع جناحهای آن نیز هست، اما مهمترین از آن، مقطعی مهم در رویارویی وسیع مردم با رژیم اسلامی است. بحث بسادگی به مراحل تعیین تکلیف نهائی با رژیم اسلامی رسیده است.

حزب کمونیست کارگری در راس خواستها و اراده مردم برای بزرگ کشیدن رژیم اسلامی و بنای یک جامعه شاد و مرفه و پیشرو و سکولار و متمدن بر ویرانه های این رژیم جنایتکار اسلامی قرار دارد. باید حول نیروی کمونیسم کارگری متحد شد و بدقت سیاستها و رهنمودهای این حزب را تعقیب و پیگیری کرد.

۸ فوریه ۲۰۰۴

« مخاطب "حکم حکومتی" ...»

از حزب مشارکت و یا سازمان مجاهدین انقلاب اسلامی نیست. کابوس انتخابات و درایت و موضعی که مردم در این هیاهوها نشان دادند، فاکتور مهمتری را در این مصافها و هشدارها برجسته میکند. مردم بی تفاوت و به نظر من خوشحال از تشدید رقابت بین سران رژیم، در کمین رژیم اسلامی نشسته اند. در یک برآورد معلوم شده است که تنها ۴ در صد مردم گفته اند در انتخابات مجلس هفتم شرکت خواهند کرد. معنی این موضوع مردم و این تمایل مردم این است که در روزهای حول و حوش انتخابات آنها این ریشخند گرفتن هر دو جناح رژیم و جدال و نزاع درونی آنان را به یک نیروی تقابل تبدیل میکنند. این اربابها و این اعلام وفاداری به حکم حکومتی در درجه اول رو به مردم دارد. وقتی که تحصن نمایندگان مجلس ششم با اولین "فرمایشات" مقام معظم خاتمه می یابد و با حکم حکومتی عده ای دیگر از تصمیم به تحریم انتخابات اعلام انصراف میکنند، باید معلوم باشد که مخاطب حکم غلاظ و شدید خاتمه ای در واقع جبهه سوم، یعنی صفوف میلیونی مردم است. جناح موسوم به راست با قصد ارباب مردم قطعا کسانی را هم از پاره تن رژیم که بخود جرات داده اند به عمل "غیر شرعی" دست بزنند، هر چند "قانونی" و با هزار قسم و آیه به درسهای امام راحل هم بوده باشد، گوشمالی بدهد. از مواضع تاکوننی شورای نگهبان و قوه قضائیه و "نمایند رهبر" در روزنامه کیهان، و پاپوش دوزیهای فعلی آنان برای جناح رقیب چنین بر می آید که این گوشمالی میروند تا جنبه قهرآمیز و احتمالاً خونین نیز بخود بگیرد. تصور اینکه بی خاصیت تر شدن "اصلاح طلبان" بتواند در نتیجه اعمال قهر شریک دیگرشان در حکومت، در میان مردم موجب کسب وجهه ای بعنوان قربانیان معصوم بشود، دور از انتظار است. به این دلیل ساده که فلسفه وجودی اینها از همان ۲ خرداد ۷۶، تلاش برای حفظ نظام از سقوط بوده است.

رژیم اسلامی برای بحران همه جانبه اقتصادی جامعه که خود

مجلس ششم در میان هو کردنهای تعدادی از ایرانیان با افتخار رفت به سفارت جمهوری اسلامی در آلمان و به جمهوری اسلامی رای داد!!) در هر حال با تهدیدات خامنه ای تحصن خاتمه یافت و پس از صدور حکم حکومتی، تعدادی از همان متحصنین که بیانیه داده بودند قاطعانه در انتخابات مجلس هفتم شرکت نخواهند کرد، حتی اگر همه رد صلاحیت شده ها تایید شوند!!، چون تر از آن درآمدند که پای حرف خود بایستند. خاتمی و کروی مورد تشویق خامنه ای قرار گرفتند و آنها یاران خود در "خانه ملت" را تنها گذاشتند. غرولندهای بعدی رئیس جمهور و رئیس مجلس که گویا شورای نگهبان حتی به دستورات "مقام معظم رهبری" عمل نکرد، نمیتواند این "خیانت" آنها را به متحصنین شوریده حال و پریشان حال جبران کند. انسجام درونی جناحهای رژیم متزلزل تر از پیش و تقابلهای به مراحل تصفیه و حذف نزدیک شده است.

بلافاصله بعد از صدور حکم خامنه ای، فرماندهی ستاد مشترک نیروهای مسلح نظام و فرماندهی سپاه پاسداران با صدور اطلاعیه هائی پشت رهبر را گرفتند و تهدید شاهرودی و قوه قضائیه مبنی بر اینکه "به هر اخلاقی" در جریان انتخابات مجلس هفتم قاطعانه برخورد خواهد کرد، رجز خوانیهای جنتی دبیرشورای نگهبان را دال بر اینکه: "در فرصت مناسب اسناد و مدارک توطئه های دست اندرکاران تحصن علیه نظام افشا خواهیم کرد"، تکمیل کردند. همزمان جریان موتلفه اسلامی و جناب ناطق نوری، مشاور رهبر، نیز در مقام انتقام شکستهای پیشین ظاهر شدند و خط و نشان کشیدند و هشدار دادند.

این حکم حکومتی و این بسیج تهدید آمیز و نمایش قدرت، از طرفی نشان وارد شدن درگیری جناحهای رژیم به یک فاز خونت آمیز است و نشانه های بکار گیری زور و بگیر و ببند و پرونده سازی را به عیان در خود نهفته دارد. اما این چنگ و دندان نشان دادنهای بهیچوجه تنها و فقط متوجه آن بخش هنوز ناراضی "اصلاح طلبان" و بخشی

طومار حمایتی گروههای دیگری از کارگران و مردم از شهرهای سقز، بوکان، مهاباد و دیواندره از مبارزات کارگران مس خاتون آباد

کارگران، دانشجویان، معلمان، زنان و مردم آزادیخواه!

بیباید همگام با هم، همبستگی و اعلام همدردی خود را با کارگران مس خاتون آباد کرمان و ابراز همدردی با خانوادههای جانبختگان راه آزادی و عدالت اعلام بداریم و اعلام کنیم که ما هم در صف مبارزه برای ایجاد یک جامعه آزاد و انسانی و برابری طلب همگام با شما قرار داریم. از تمام انسانهای آزادیخواه و تمام سازمانهای بین المللی و نهادهای مدافع حقوق بشر میخواهیم نسبت به وضعیت کارگران مس خاتون آباد کرمان اعتراض نمایند.

امضای ۲۲۰ نفر از کارگران و مردم در شهرهای سقز، بوکان، مهاباد، دیواندره
۲۱ بهمن ۱۳۸۲

بازتکثیر از کمیته کردستان حزب کمونیست کارگری ایران

۲۱ بهمن ۱۳۸۲

۱۰ فوریه ۲۰۰۴

هشتم مارس روز جهانی زن گرامی باد

هشتم مارس روز جهانی زن از راه میرسد. زنان در طول تاریخ آماج حادثترین تهاجمات مذهب و گرایش‌های عقب مانده و ضد انسانی دیگر بوده‌اند. روز جهانی زن از همین روز ترقی خواهی و انسان دوستی و برابری طلبی است. روز نه بزرگ به ارتجاع مذهبی و شوینستی است. روز دفاع از ارزشهای انسانی و رادیکال و برابری طلبانه است. این روز را بویژه در ایران که یک آپارتاید جنسی تمام عیار حاکم است باید با شکوهی هرچه تمامتر گرامی داشت. بزرگداشت روز جهانی زن در ایران جزئی از نبرد زنان و مردم آزادی طلب علیه حکومت تبعیض و توحش اسلامی است. این روز تمام زنان و مردانی است که بیش از دو دهه است در تمام صحنه جامعه از حرمت و حقوق پایه ای انسانی در برابر مدافعین جهل و اختناق و فقر و تبعیض با چنگ و دندان دفاع کرده‌اند. یکی از پیشرویهای این نبرد تحمیل هشتم مارس به همین نمایندگان قرون وسطائی طبقه سرمایه دار است که نام این روز را میخواستند از کتابها نیز خط بزنند. سال گذشته در پیش چشمان وحشت زده مامورین حکومت اسلامی تجمعات هشتم مارس در بسیاری از شهرهای ایران با شکوهی تمام برگزار گردید. امسال در شرایط تشدت حاکمین باید این روز را

بعنوان روز آزادیخواهی و اعتراض و حق طلبی تثبیت کنیم. این روز را باید به روز دور انداختن حجاب اسلامی، به روز تجمعات در خیابان و کارخانه و دانشگاه و مدارس، و به روز نفی عملی حکومت و قوانین اسلامی تبدیل کنیم. روز جهانی زن را باید با شکوه تمام گرامی داشت. باید کاری کنیم که در این روز جامعه رنگ دیگری بخود بگیرد. باید به همه خبر داد، بر در و دیوار نوشت و با ابتکارات مختلف نزدیک شدن روز زن را به همه یادآوری کرد. باید در هر جا که هستیم به جنبش گرامی داشت هشتم مارس دامن بزنیم. روز جهانی زن روز ماست. روز همه زنان و مردان آزاده است. روز آزادیخواهان است. روز تجمع و تظاهرات است. و باید همه با هم به استقبال گرم از این روز برویم و هشتم مارس امسال را به روزی فراموش نشدنی در پیشروی جنبش دفاع از آزادی و برابری تبدیل کنیم.

گرامی باد هشت

مارس روز جهانی زن

آزادی برابری

حکومت کارگری

حزب کمونیست

کارگری ایران

۱۶ بهمن ۱۳۸۲

۵ فوریه ۲۰۰۴

دستمزد کارگران حداقل باید به اندازه حقوق نمایندگان مجلس افزایش یابد

کارگران، و نه فقط کارگران بلکه معلمان و همه حقوق بگیران باید بدون کم و کاست خواهان همان میزان از دستمزد شوند که نمایندگان مجلس اسلامی دارند. مگر نماینده مجلس حاضر است که با میزان دستمزد کارگران و معلمان پایش را در مجلس بگذارد؟ مگر رئیس مجلس و وزیر کار و افراد بیت رهبری حکومت حاضرند با چنین حقوق هائی زندگی کنند؟ چرا باید کارگران و سایر حقوق بگیران درآمدشان کمتر از این مفتخوران باشد! هیچ عذر و بهانه ای را بر سر مسئله مزد و افزایش حداقل دستمزد تا سطح تامین نیازهای یک زندگی مرفه نباید بپذیریم و نمی پذیریم. مشکلات اقتصادی دولت ربطی بما ندارد همانطور که از توفیق اقتصادی سرمایه داران چیزی نصیب ما نمی شود. یک دهم دزدیها و سوء استفاده ها برای افزایش دستمزد کارگران و کارکنان دولت تا سطح حقوق نمایندگان مجلس کافی است. دستمزدها باید به میزانی افزایش یابد که فقر و تنگدستی فعلی جای خود را به رفاه و آسایش بدهد.

حزب کمونیست کارگری ایران

۱۰ فوریه ۲۰۰۲

۲۱ بهمن ۱۳۸۲

در پایان هر سال رژیم اسلامی سرمایه داران میزان حداقل دستمزد کارگران را برای سال آتی تعیین میکنند. امسال زمزمه هائی شنیده میشود که دولت تصمیم به انجماد دستمزدها و یا در بهترین حالت یک افزایش دستمزد ۹ درصدی دارد. این در حالی است که در ۲۵ سال گذشته سطح زندگی کارگران با توجه به تورم هرسال پایین تر آمده است و کارگران چندین بار زیر خط فقر زندگی میکنند. این در حالی است که اقلیتی مفتخور هرروزه دهها میلیون دلار حاصل دسترنج کارگران را به جیب میزنند. این در حالی است که بساطت لفت و لیس و بچاپ بچاپ درباریها و آقازاده ها سر به فلک میزند. چرا دستمزد کارگران نباید حداقل به اندازه حقوق نمایندگان مجلس و مقامات وزارت اطلاعات باشد؟ افزایش ۹ درصد و حتی ۲۰ درصد چه مشکلی را حل میکند! مگر خودشان نمیگویند که خط فقر حدود ۳۰۰ هزار تومان است و حداقل دستمزد کارگران ۸۵ هزار تومان! و تازه چرا حقوق کارگر باید با خط فقر مقایسه شود!

ناسیونالیستهای کرد، که به اقرار خود آنها، در روزهای انقلاب ۵۷ خود و رهبرانشان در گوش گاو خوابیده بودند، نیروی محرکه و تداوم انقلاب را ناسیونالیسم و کردیبه تی تشکیل نمیداد. سازماندهندگان و رهبران اعتراضات مردم در کردستان فعالین کمونیست بطور مثال از قبیل فواد مصطفی سلطانی، صدیق کمانگر، رستم بهمنی، رضا عصمتی، بیژن چهارزی، حسین پیرخضرائی، ایوب نبوی، محمد مایی (کاک شوان)، محمدحسین کریمی، بهروز سلیمانی، یحیی خاتونی، مظفر محمدی، ایرج فرزند، فاتح شیخ الاسلامی، عبدالله دارابی، مجید حسینی، صالح سرداری، اسد و نسان نودینیان، رؤف کهنه پوشی، عطا رستمی، حسین مرادبیگی (حمه سور) و

حک شده است. رهبران و فعالین کمونیستی که در همان جریان انقلاب ۵۷، علیرغم هر گونه ناروشتی ای از لحاظ تئوری و سیاسی و التقاطی که نسبت به مارکسیسم و کمونیسم داشتند، پایه ریزی یک کمونیسم اجتماعی را نمودند و با تلاش آگاهانه و دخالتگرانه خود توانستند که کمونیسم را به جانی اجتماعی و دخالتگر در جامعه کردستان مبدل بنمایند. نوع مبارزه سیاسی و معرفی چهره کمونیستها از جانب این فعالین قرار گرفتن در حاشیه جامعه و تبدیل شدن به کاتالیزاتور طبقات استثمارگر نبود، توجه به رهائی و سعادت و خوشبختی مردم کارگر و زحمتکش، خمیر مایه مواضع سیاسی آنان

۱۰۰۰ انقلاب ۵۷

(ادامه از صفحه ۱)

سیاسی و تئوریک و توهمی که نسبت به "رسالت تاریخی بورژوازی ملی و مستقل"، و آلودگی به مذهب زدگی و شرق زدگی، داشت اما، اعتقادش به سعادت مردم زحمتکش و رهائی کارگران از اسارت استثمار و بردگی سرمایه داری تنها افتخار و نقطه درخشان در این انقلاب بود.

انقلاب و دستاوردهای قیام بهمن ۵۷ را نه نفوذ اسلاميون در حاشیه جامعه و نه خیل طفیلیهای اسلامی توانستند با شرع و روضه خوانی مساجد زیر سیطره خود بکشند. پس از توطئه کنفرانس گوادلوپ و طرحها و پول خرج کردنهای فراوان و در نتیجه بند و

مرگ بر جمهوری اسلامی!

زنده باد جمهوری سوسیالیستی!

روز کومه له به باند زحمتکشان بی ربط است!



ایرج فرزاد

امسال سازمان زحمتکشان هیاهوی بیشتری برای چسپاندن خود به کومه له و مراسم روز کومه له راه انداخته است. اما حادثه جنایتکارانه تروریستی انتحاری در اربیل در اول فوریه، در پی صدور پیامهای اخوت و همدردی جناب دبیر کل به "مام جلال" و "کاک مسعود"، تمام مراسم اعلام شده توسط سازمان زحمتکشان به عزاداری برای "شهیدان کردستان" تبدیل شد. در حالی که در جریانات بسیار وحشتناکتر عملیات تروریستی در دیگر شهرهای عراق که صدها نفر از پیر و جوان و کودک و غیر نظامی "غیر کرد" لت و پار شدند، اینها جیکشان در نیامد و با یک سکوت شیطنت آمیز از کنار آنها گذشتند. اعلام عزاداری هم بخاطر فاجعه زلزله در شهر "فارس" نشین بم نیز، موجبی

۱۰۰۰ انقلاب ۵۷

را تشکیل میداد. به همین دلیل بود که، ارتجاع سنی گری و ضد کمونیستی و ضد بهائیکاری دارو دسته اوباش مکتب قرآن احمد مفتی زاده در کردستان چه قبل و چه بعد از بقدرت خزیده شدن ارتجاع اسلامی در ایران، نتوانستند از لحاظ سیاسی و اجتماعی برای خود جا پایی را بیابند. اما متاسفانه با همه اینها جای یک حزب روشن بین کمونیستی کارگری بشدت خالی بود!

و با وجود اینکه مردم به رهبری همان چپ و همان کمونیسم آن دوره وقایع نوروز خونین سندج را آفریدند و در شکل دادن به جنبش مقاومت در برابر فرمان یورش خمینی جلال نقش برجسته داشتند، اما عروج سازمان کومه له، بمشابه تشکلی توده ای و چپ، از لحاظ تئوری در جناح راست پوپولیسم ایران جای گرفت و به همین دلیل عاملی شد و گارد چپ و کمونیسم را در کردستان در برابر سنتهای ناسیونالیسم کرد باز گذاشت و

طلب بوده است. سازمان زحمتکشان مدعی بازسازی "سازمان انقلابی زحمتکشان کردستان ایران" (کومه له) شده است. این ادعا با یک مقایسه ساده، پوچ و بی معنی، غیر تاریخی و سرتا پا تقلب و عوامفریبی و شارلاتانیسم است.

سازمان مهتدی ایلخانی محصول جانبی حکومت جلال طالبانی بر سلیمانیه و تلاش برای سرهم بندی کردن یک مهره در دست جلال طالبانی و مشاورین او برای بازی همیشگی دیپلماتیک در تحولات آتی جامعه ایران و کردستان ایران است، بعنوان مهره هائی در مقابل حزب کمونیست کارگری و یا برای رقابت درون خانوادگی جنبش کردایه تی با حزب دمکرات.

سازمان انقلابی زحمتکشان کردستان ایران را انسانهای انقلابی، مبارز و شناخته شده تشکیل دادند و علیرغم هر ابهام و ناروشنی در خط سیاسی و گرایش فکری، سازمانی متکی به نیروی زحمتکشان کردستان ایران و جریانی سراسری و در ارتباط و پیوند با چپ و رادیکالیسم ایران بود. این سازمان محصول توطئه ها و مصلحتهای دیپلماتیک جریانات ناسیونالیست کرد در کردستان عراق و وسیله ای برای بازی در شکافهای منطقه ای نبود.

راهی برای تعبیر نوعی از "چپ" را در میان جریانات ناسیونالیسم کرد گشود. این به نوبه خود موجب شد تا از کانال نفوذ کومه له بویژه، مدخلی برای ورود و لانس شدن باصطلاح ناسیونالیسم چپ و "کومه له رنجدران" که از همان ابتدای عروج خود متحد حزب جلال طالبانی بود و اکنون کاملاً در آن حل شده است، در ذهن مردم کردستان ایران در یک تقابل غیر واقعی و بعنوان قطب مقابل با حزب عشیره بارزانی، تداعی شود.

یورش رژیم اسلامی به کردستان و کومه له

با آغاز یورش جمهوری اسلامی به کردستان و همچنین مشروعیت پیدا کردنش در سراسر ایران، مسئله ملی در کردستان همراه با برنامه و پلاتفرم مطالباتی جنبش کردایه تی "ناسیونالیستی" توسط حزب سیاسی آن، حزب دموکرات کردستان ایران، به مطالبات در ابعاد اجتماعی رانده شد و زمینه و محوری شد برای تداوم یک

سازمان انقلابی زحمتکشان کردستان ایران برای سعادت مردم زحمتکش و در پیوند با آنها شکل گرفته بود، و برای پیشبرد امر مبارزه زحمتکشان در کردستان به حمایت و پشتیبانی کارگران ایران، نیروهای چپ و رادیکال اتکا میکرد و عملاً در این زمینه نیز قدم برداشت. در حالی که باند وابسته به جلال طالبانی، یک جریان متعصب قومی است که در اولین اطلاعیه بعد از سرهم بندی شدن، به دانش آموزان فراخوان داد که هفته اول سال تحصیلی را "فقط کردی" حرف بزنند. سازمان دست ساز طالبانی یک جریان متکی به نفرت پراکنی قومی است و استراتژی خود را استقرار یک فدرالیسم قومی تعیین کرده است. رویای عراقیزه و یوگوسلاویزه کردن ایران و کردستان، خمیر مایه این باند فاشیست است.

سازمان انقلابی زحمتکشان کردستان ایران نه تنها بعنوان یک نیروی انقلابی در راس مبارزات توده های مردم کردستان ایران قرار گرفت و حرکاتی مانند خلع سلاح اولین مقر سپاه پاسداران در ۲۳ تیر ماه ۵۸ و کوچ مردم میروان و راهپیمایی بسوی میروان را سازمان داد، بلکه در فراخوان به مردم برای مقابله با فرمان یورش خمینی در ۲۸ مرداد ۵۸،

به مردم تعهد داد که تمام نیروی سازمانی خود و نفوذش را در میان چپ ایران برای جلب حمایت از مقاومت مردم به کار خواهد گرفت و بعدها همین سازمان یکی از پایه های تشکیل حزب کمونیست ایران شد. سازمان وردست جلال طالبانی با اعلام نفرت از کمونیسم و تلاشهای تاریخ چندین ساله کومه له شکل گرفت و اساس خود را بر یک تعلق خالص قومیت کردی بنا نهاد و دو خرداد و خاتمی رئیس جمهور همان رژیم، یکی از عوامل کمکی در عملیات سزارین میلاد آن از آب درآمدند. به پشتگرمی دو خرداد، کاملاً برعکس سازمان انقلابی زحمتکشان کردستان ایران، حسرت دیالوگ با رژیم اسلامی از بدو زایش بر دل ماماهاى این طفل ناز پرورده در کریدورها و قهوه خانه بارگاه جلال طالبانی نشست. این جریان اکنون از افتخارات خود میداند که سازمانی را به سازمانها و احزاب کردی اضافه کرده است. هویت قومی و کردی و تاکید بر تقابل و دشمنی تعلقات و نفرتهای قومی در هیچ مرحله ای از مبانی هویتی سازمان انقلابی زحمتکشان کردستان ایران نبوده است. یکی از نقطه قوتهای این سازمان قاطعیت در برابر کل

کارگری ایران متشکل و سازمان یافته اند. این عامل مهم و این نیروی تعیین کننده میتوانند دستاوردهای قیام بهممن را زنده و ارتقا دهد و در صحنه جدال سیاسی و طبقاتی بر سر تعیین تکلیف با جمهوری اسلامی و یا هر نیرو و جریان ارتجاعی دیگری که بخواهد، زندگی و سرنوشت مردم را در راستای منافع سیاسی و اجتماعی و طبقاتی خود به بازیچه بگیرد و به تباهی بکشد، یکی از نیروهای غیرقابل حذف و مورد اتکا مردم باشد. زیرا طلیعه یک جامعه آزاد و برابر و مرفه با انقلاب آتی و مبارزه توده های کارگران و زنان و جوانان برای سرنگون کردن جمهوری اسلامی بر تارک جامعه ایران میدرخشد. تضمین عدم تکرار تجارب تلخ قیام بهممن ۵۷، با انتخاب حزب کمونیست کارگری و پیوستن به صفوف آن امری ممکن و میسر است. به حزب کمونیست کارگری ایران پیوندید!

۹ فوریه ۲۰۰۴

تهدید به قتل**ینار محمد****مقابله با اسلامبیست****یک وظیفه مبرم!**

جریانات اسلامی در عراق ینار محمد چهره برجسته آزادیخواه و سخنگوی سازمان آزادی زن عراق را به مرگ تهدید کرده اند. فعالیت های خستگی ناپذیر ینار در دفاع از حقوق زنان و در افشای زن ستیزی اسلام و جریانات اسلامی آنچنان موفقیت آمیز بوده است که اسلامبیست ها را به تکاپو انداخته است و آنها، همانگونه که همیشه عمل کرده اند، برای مقابله با فعالیت ها و تلاش های موثر و گسترده سازمان آزادی عراق و ینار محمد، او را به قتل تهدید کرده اند. این شیوه همیشگی جریانات اسلامی و جنبش اسلام سیاسی است. توسل به ارباب و ترور تنها سلاح این جنبش است. سازمان آزادی زن - ایران قاطعانه این تهدید و تمهیدات این چنینی را محکوم میکند و با تمام قوا در کنار سازمان آزادی زن در عراق در مقابل اسلامبیست ها خواهد ایستاد. ما به همراه سازمان آزادی زن در عراق به افشای این جنبش ارتجاعی و ضد زن ادامه خواهیم داد و تلاش میکنیم که آزادیخواهان و بشردوستان را به کمپینی که برای مقابله با این تهدید شکل گرفته است جلب کنیم.

سازمان آزادی زن - ایران

۹ فوریه ۲۰۰۴

حساسیت مسئله و ضرورت اقدام فوری جهت رفع آلودگی از آب سد قشلاق جلب میکند. از مردم مبارز سنندج میخواهد با انتخاب نمایندگان مستقیم خود روزانه موضوع را پیگیری کنند. با فشار اعتراضی خود رژیم اسلامی را موظف به اقدامات لازم بکنند. ما در این مبارزه همگام شما هستیم. در سطح بینالمللی هم برای در جریان قرار دادن افکار عمومی و به کمک طلبیدن نهادها و سازمانهای ذیربط میکوشیم.

کمیته کردستان حزب**کمونیت کارگری ایران**

۱۶ بهمن ۱۳۸۲

۵ فوریه ۲۰۰۴

سرابی بیش نیست. این گونه اقدامات آخرین تلاشهای مذبوحانه جمهوری اسلامی به منظور دفاع از حاکمیت سیاه و انگلی مشتت جنایتکار اسلامی است.

دوره قمه چرخانی سران رژیم مدتهاست به سر آمده است. این تعرضات بی‌مایه رژیم را باید از نطفه خفه کرد. جمهوری اسلامی ضعیفترین دوران حیات خود را از سر میگذراند و نباید اجازه نفس کشیدن را به آن داد. بر ما مردم آزادیخواه و متنفر از جمهوری اسلامی است که هر تعرض مزدوران رژیم را با اعتراض یکپارچه و تعرض خود جواب دهیم. هر محله و محل کار و مدرسه و دانشگاه و مکان عمومی را میتوانیم به میدان اعتراض علیه مزدوران آنان تبدیل کنیم و در هیچ مکانی نباید اجازه حضور و دخالت به آنان بدهیم. هفته آینده، هفته نمایشات "انتخاباتی" و بازار گرمی عناصر حلقه بگوش این رژیم برای وارد شدن به مجلس اسلامی است. نمایشات اینها را باید به هم زد. صندوقهای رای آنها را میتوان پرچید و کل این مضحکه را بر سر آنها خراب کرد. هفته آینده میتواند، هفته اعتراض به کلیت جمهوری اسلامی، هفته سر دادن "آزادی و برابری و مرگ بر جمهوری اسلامی" باشد. حزب کمونیت کارگری ایران همه مردم را به این مبارزه فرا میخواند.

کمیته کردستان حزب کمونیت کارگری ایران

۲۱ بهمن ۱۳۸۲ (۱۰ فوریه ۲۰۰۴)

**تانکر حامل مواد شیمیایی در
سد "قشلاق" سنندج واژگون شد!**

آلودگی آب سد انجام نداد.

مردم مبارز سنندج!

زندگی و جان مردم برای جمهوری اسلامی ارزشی ندارد و نباید منتظر اقدامات آنان شد. اینها سال قبل هم اعلام کردند که اتفاق خطرناکی نیفتاده است و عملاً اقدامی جدی جهت رفع خطر آلودگی آب آشامیدنی منطقه انجام ندادند.

لازمست رژیم اسلامی را تحت فشار قرار داد و آن را به اقدامات جدی جهت رفع خطرات ناشی از آلودگی آب سد قشلاق مجبور کرد. اساسترین راه اینکار اعتراض گسترده و دسته جمعی شما مردم است. لازم است هزاران نفر از مردم در مقابل ادارت دولتی و مشخصاً استانداری شهر دست تجمع کرده و خواهان رسیدگی فوری شوند. لازم است خواستار این شد، هیئت‌هایی از بهداشت جهانی و سایر مراکز بینالمللی به سنندج اعزام شوند و در مورد ماجرا تحقیقات لازم به عمل آورده و اقدامات لازم جهت رفع آلودگی زیر نظر آنها پیگیری شود.

کمیته کردستان حزب کمونیت کارگری ایران توجه مردم را به

*** در عرض یکسال گذشته
آب سد قشلاق سنندج
برای بار دوم آلوده شد.**

سه شنبه ۱۴ بهمن ۱۳۸۲ در ساعت ۱۰ و نیم قبل از ظهر به وقت تهران، یک تانکر که حامل مواد شیمیایی به اسم ام، تی، بی بود در کنار سد "قشلاق"، سنندج از مسیر خارج و به داخل سد سقوط کرد.

سد قشلاق سنندج منبع تامین آب آشامیدنی مردم شهر و تعدادی از روستاهای حومه سنندج است. نگرانی وسیعی مردم شهر را فرا گرفته است و در روزهای اخیر مرتب با مراکز مختلف رژیم تماس گرفته و خواهان روشن شدن قضیه و اقداماتی جهت رفع آلودگی شده‌اند. تا کنون مقامات رژیم از اعلام خبر و دادن اطلاعات دقیق از مواد موجود در تانکر خوداری کرده و گفته‌اند این مواد خطرناک نیست. راننده ماشین به اسم شهرام پاکنژاد زخمی و در بیمارستان سنندج بستری است. یک سال قبل در ۱۴ بهمن یک تانک حاوی مواد شیمیایی داخل سد سنندج افتاد و آب آن سراسر آلوده شد و عملاً رژیم اقدامی جدی در جهت رفع خطر ناشی از

**اطلاعیه کمیته کردستان حزب کمونیت کارگری ایران
دست و پا زدنهای آخر رژیم اسلامی را خنثی کنیم**

اخیراً و در آستانه مضحکه "انتخابات" مجلس اسلامی، مزدوران رژیم با هدف مرعوب کردن مردم و جلوگیری از اعتراضات آنها و کشاندن تعدادی به پای صندوقهای رای، دست به یکسری تعرضات زده‌اند.

در شهر سنندج در یک هفته گذشته اداره حراست برای تمام مدارس نامه فرستاده و اعلام کرده است که باید در انتخابات شرکت کنند. از ۲ روز قبل به بهانه واهی کارت معلمین مدارس را کنترل میکنند. به مناسبت سالگرد "۲۲ بهمن" به مدارس اعلام کرده‌اند که باید در مراسم دولتی شرکت کنند. میزان گشتیهای داخل شهر را افزایش داده‌اند، جلو مدارس دخترانه و به منظور کنترل دختران بی‌حجاب ماشینهای گشت آنها در گشت و گذارند و در چند مدرسه از جمله هنرستان کار و هنر و حکمت تعدادی را دستگیر کرده‌اند.

این اقدامات نه از سر قدرت، بلکه از استیصال و درماندگی کاربدستان رژیم در مقابل کابوس اعتراض مردمی است که دیگر حرف خود را در خیابان و با صدای بلند میزنند. جانبان اسلامی میخواهند به هر شیوه ممکن این دوره هم جان سالم بدر کنند. اما نباید بگذاریم. تعرض رژیم را باید درهم شکنیم و نشان دهیم خواب و خیال زنده شدن قلدی رژیم اسلامی

روز کومه له به باند زحمتکشان بی ربط است!

(ادامه از صفحه ۴)

رژیم اسلامی و ایستادگی انقلابی در برابر تقسیم جمهوری اسلامی به جناحهای خوب و بد بوده است. سازمان انقلابی زحمتکشان کردستان ایران یکی از نیروهای مهمی بود که به اتکا نفوذ توده ای خود، همکاریها و توطئه های اکثریت و حزب توده علیه مردم کردستان را که تحت عنوان "عوامل پالیزبان" با وقاحت ادامه یافت، خنثی کرد و سهم مهمی در نقش برآب کردن این دشمنیهای کینه توزانه عوامل جدید و دوستان تازه ارتجاع اسلامی بازی کرد. باند ساخته دست جلال طالبانی اکنون پای ثابت اتحاد عملها و صدور اعلامیه و بیانیه مشترک با اکثریت است. و بالاخره اینکه بخش قریب به اتفاق بنیانگذاران سازمان انقلابی زحمتکشان کردستان ایران، سازماندهندگان و رهبران آن حرکات توده ای، رهبران تشکیل مجامع عمومی مردم شهر و روستاهای مریوان در حزب کمونیت کارگری ایران متشکل شده و یا در کومه له باقی مانده به فعالیت ادامه میدهند. هیچ کس اجازه مصادره زندگی و حاصل مستقیم تلاشهای انقلابی و اجتماعی خود را به باند نوچه

طالبانی نداده است. بنابراین چه به دلیل تاریخ واقعی سازمان انقلابی زحمتکشان کردستان ایران و چه به دلیل سیری که این سازمان در مقطعی از تاریخ چپ و کمونیسم ایران طی کرده است و چه به دلیل نقشی که بانیان این سازمان در مراحل مختلف تکامل آن داشته اند، باند زحمتکشان نه از نظر فاکتورهای تاریخی، نه از نظر جایگاه افراد خود و نقش آنها در آن تاریخ، از نظر اخلاقی، تاریخی و بنیانهای فکری و گرایش حق ندارند بنام کومه له ظاهر شوند. اینها دسیسه و توطئه اند و به تلاشهای مشترک و پشت پرده پدر خوانده های سازمان هواداران جلال طالبانی و کردایه تی فاشیستی برای سرهم بندی کردن یک جریان باند سیاهی و متعصب قوم پرست، تحت نام کومه له به هیچ عنوان مشروعیت نمیبخشد. روز کومه له به اینها از بنیان بی ربط است. ما اجازه نمیدهیم پروژه و توطئه بساز و بفروش سازمان جانبداران جلال طالبانی در بازارهای سیاه دیپلوماسی و بند و بستهای همیشگی جریانات ناسیونال عشیره ای برای خود مشتری جذب کند.

دست تروریسم اسلام سیاسی از جنبش برابری زنان کوتاه!



نسان نودینیان

"حزب الله انقلابی کرد" که به رهبری یک مزدور اسلامی به اسم "ادهم بارزانی" در سال ۱۹۹۵ فتوای قتل ریویار احمد لیدر حزب کمونیست کارگری عراق را صادر کرده بود، در شرایط سناریوی سیاه و میلیتاریزم نظامی آمریکا عناصر فعال شده اند.

ینار محمد، کادر حزب کمونیست کارگری عراق، بنیانگذار سازمان آزادی زن در عراق در تاریخ ۳۱ ژانویه ۲۰۰۴، توسط باند اسلامی «ارتش صحابه» به قتل، تهدید شده است. ینار محمد فعال کمونیست و کادر برجسته حزب کمونیست کارگری عراق است. نام و فعالیت‌های ینار محمد در یکسال گذشته پس از فروپاشی دولت صدام حسین، در بغداد و در دفاع از آزادی زن و کارگران و مطالبات کارگران بیکار، چهره آشنایی است. ینار محمد با ایجاد سازمان آزادی زن، قطب اجتماعی و رادیکال جامعه در عراق علیه اسلام سیاسی و مردسالاری و اردوی وحوش اسلامی که پیام آواران بردگی زن در عراق هستند، را شکل داد. ینار محمد کمونیست جسور با پرچم آزادی زن در عراق در جدال و کشمکش دائمی در مقابل ارتجاع اسلامی است. ینار محمد جای خواب ثابتی ندارد. او به دلیل دفاع

روز ۷ فوریه ۲۰۰۴ روزنامه فیکارو چاپ پاریس در ارتباط با عراق نوشت: «تهران مهره های خود را در شطرنج بصره پیش میبرد». این روزنامه مینویسد، اعضای مجلس اعلاى انقلاب عراق که از ۱۹۸۲ میلادی که توسط ایران تشکیل و تامین مالی شده است امروز در بصره سازمان یافته ترین نهاد موجود بشمار میرود و برای خود رادیو و تلویزیون مستقل برپا کرده است. در بصره حتی زندگی روزانه نیز از نفوذ حکومت اسلامی برکنار نیست. فروش مشروبات الکلی ممنوع است و ۹ فروشنده مشروبات الکلی از جمله ۷ مسیحی در ماه های اخیر اعدام شده اند. در دانشگاه فشار بر دختران دانشجو برای تن دادن به اختناق حجاب اسلامی افزایش یافته است. «ارتش صحابه» «مقتدا صدر» و

شفاف و روشن از رهایی زنان از چنگ استبداد مذهبی و ارتجاع اسلامی زندگی در خطر را بر دیدن ستمکشی زنان و سکوت ترجیح داده است. ینار محمد مبارز و رهبر کمونیست باید از طرف تمام آزادیخواهان در منطقه خاورمیانه ایران و عراق و تمام دنیا، مورد بیشترین حمایت قرار گیرد. پلاتفرم ینار محمد دفاع از زنان است. او با تلاش شبانه روزی میخواهد زنان ربوده نشوند (در سایه شوم سناریوی سیاه کنونی زنان را در قبال صد و دویست دلار بفروش می‌رسانند). ینار محمد و سازمان آزادی زن در عراق با قتل ناموسی زنان توسط جریانات اسلامیستی درگیر هستند. سه سال قبل از فروپاشی دولت بعث صدام، در بغداد، صدام حسین برای جلب رضایت اسلامیستها، ۲۰۰ زن را به «اتهام» فاحشه بودن، در خیابانهای بغداد، بدار آویخت. در کنار هر جسدی تابلویی نصب کرده بودند که «شیطان از جامعه دفع شد»، صدام با اعدام زنان و قربانی کردن آنها، به اسلام سیاسی امتیاز داد، اسلام سیاسی برای اعمال قدرت در جامعه به قربانی کردن زنان نیاز دارد. این توحش اسلامی برای بشریت ننگ تاریخ است. ینار محمد خلاف جریان، در مقابل بربریت توحش اسلامی و بقایای سیاست و سنت صدام دیکتاتور ایستاده است. بشریت متمدن باید در کنار ینار محمد پرچم آزادی زن در عراق را محکم در دست بگیرد. در دست

است که ینار به آن متعلق است. نشانه مقبولیت اهداف و آرمانهای ینار در میان زنان و مردم محروم عراق است. نشانه بی پایه بودن جریانات اسلامی در میان مردم و خفقان و در تاریکی میتوانند رشد کنند. میدان داری جریانات مرتجع و تروریست اسلامی محصول جنگ آمریکا و سیاست کنونی آمریکا در حمایت از اسلاميون و وضع قوانین ارتجاعی شرعی در عراق است. اینها را باید عقب راند. دنیا باید به دفاع از ینار محمد برخیزد. اسلامیه و سیاست آمریکا را قاطعانه محکوم کند و از حقوق زنان و خواست مردم عراق برای یک دولت سکولار، غیرقومی

و غیرمذهبی پشتیبانی کند. دنیا باید از سازمان آزادی زن و حزب کمونیست کارگری عراق با تمام قوا پشتیبانی کند. این تنها راهی است که صف آزادیخواهان و سکولارها، صف زنان و مردان برابری طلب در عراق را در مقابل جریانات ارتجاعی تقویت میکند و اسلامیه را در تنگنا میگذارد. این تنها پاسخ شایسته بشریت متمدن در مقابل جریانات کثیف و آدمکش اسلامی است. جریانات مرتجع اسلامی باید خود را بازنده احساس کنند. هرچه ابعاد حمایت از ینار و دامنه پشتیبانی از خواستهای مردم عراق وسیعتر باشد، هرچه از سازمان آزادی زن عراق و حزب کمونیست کارگری عراق بیشتر حمایت شود، اسلامی

درمورد تهدید به قتل ینار محمد توسط اسلامیهای عراق

مخالفت با سیاست جنایتکارانه و ارتجاعی آمریکا و متحدینش در عراق، شهامت سیاسی و گستردگی فعالیت در عراق و در سطح بین المللی، ینار محمد را به یک چهره بین المللی و محبوب در میان آزادیخواهان جهان تبدیل کرده است. از آمریکا و کانادا تا اروپا و خاور میانه ینار به سمبل و سخنگوی قاطع زنان تحت ستم در عراق تبدیل شده است. رشد و گسترش نفوذ ینار و سازمان آزادی زن عراق، اسلامیه را به صرافت تهدید او انداخته است. این فقط نشانه مقبولیت ینار و جنبشی

طبق اطلاعیه سازمان آزادی زن عراق، ینار محمد از بنیانگذاران این سازمان و کادر سرشناس حزب کمونیست کارگری عراق بخاطر فعالیتش در دفاع از حقوق زنان و افشای جریانات اسلامی، در روز ۳۱ ژانویه به قتل تهدید شده است. باند اسلامی «ارتش صحابه» که ینار محمد را به قتل تهدید کرده است از ینار خواسته است فعالیت برای حقوق زنان را متوقف کند وگرنه با شمشیر اسلام به زندگی اش خاتمه داده میشود. موضع رادیکال علیه اسلاميون و

زنان و مردان آزادیخواه!

فتوای قتل ریویار احمد لیدر حزب کمونیست کارگری عراق، در ۱۹۹۵ با حمایت بین المللی در تمام دنیا، و آمادگی حزب کمونیست کارگری عراق در مقابل اسلام سیاسی و باندهای ارتجاعی، به عقب رانده شد. فتوای قتل ینار محمد امروز در حالیکه تمام نگاه ها در منطقه خاورمیانه و اروپا به اوضاع سیاسی و آینده سیاسی این مملکت دوخته شده است، باید با حمایت میلیونی مردم در ایران، عراق و اروپا به عقب رانده شود! با حمایت از ینار محمد، دست اسلام سیاسی را در سرکوب و اعمال فشار بر زنان را کوتاه کنیم.. دفاع از ینار محمد امروز میتواند قدمهای ارزنده ای در کوتاه کردن دست ارتجاع مذهبی باشد. در جدال کمونیسم کارگری با شمشیر اسلام، جبهه مدرن و متمدن در دنیا، پیروز است. ۸ مارس امسال یکی از مطالبات جنبش آزادی زنان در ایران و عراق در شکل صدور قطعنامه و نامه حمایتی، حمایت از ینار محمد و محکومیت باندهای اسلامی و فتوای قتل ینار محمد است.

در آستانه ۸ مارس روز جهانی زن، همه جا بنویسیم، در جدال کمونیسم کارگری با شمشیر اسلام، جبهه کمونیسم کارگری با حمایت ما پیروز است. دست مذهب از زندگی زنان کوتاه!

**درد بر ینار محمد رهبر
جنبش آزادی زن در عراق**
۹ فوریه ۲۰۰۴
* * *

ها را بیشتر عقب میراند.

حزب کمونیست کارگری ایران تهدید به قتل ینار و جریانات تروریست اسلامی را بشدت محکوم میکند و دوش به دوش سازمان آزادی زن عراق و حزب کمونیست کارگری عراق از خواستهای عادلانه و آزادیخواهانه زنان و مردم ستمدیده عراق پشتیبانی میکند و مجامع بین المللی، احزاب و سازمانهای پیشرو و مدافع حقوق انسان، و همه مردم آزادیخواه را فرامیخواند تا با تمام قوا در این رودروئی در کنار ینار محمد و جنبش او قرار بگیرند.

حزب کمونیست کارگری ایران
۷ فوریه ۲۰۰۴
۱۸ بهمن ۱۳۸۲